

ضرورت وجود اخلاق حرفه ای اسلامی در مدارس و فضای مجازی

محمد لکانی^۱

^۱ لیسانس دینی و عربی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی چالش های اخلاق حرفه ای اسلامی در فضای مجازی به منظور ارتقای روابط انسانی و همچنین به بررسی تأثیر فرهنگ های (دینی، قومی، ملی و غیره) بر فرهنگ های فضای مجازی پرداخته و چارچوب های نظری مربوط را برای تفکر در مورد فرهنگ در اینترنت را بررسی نمایم. اخلاق حرفه ای موضوعی است که امروزه در بخش های مختلف زندگی مورد توجه قرار گرفته است و با توجه به اهمیت آن در دوره ابتدایی، به عنوان پایه مقاطع دیگر، میتوان گفت آموزش ابتدایی نیز نظامی حرفه ای است و میتوان ویژگی هایی چون: مداومت در علم آموزی، امید دادن به دانش آموزان، الگو بودن، داشتن ارتباط کلامی را برای معلمان حرفه ای در این نظام نام برد. در خاتمه میتوان نتیجه گرفت که بر اساس مطالعات و پژوهش هایی که در این حوزه صورت گرفته است، افزایش تعهد اخلاقی معلمان می تواند به شکل گیری یک محیط آرام در کلاس، مدرسه و جامعه انجامد و تدریس اثربخش را محقق سازد.

واژه های کلیدی: اخلاق، روانشناسی، اخلاق اسلامی.

مقدمه :

فناوری اطلاعات نه تنها در شیوه افعال و اقدامات روزمره ما تاثیر می گذارد، بلکه علاوه بر آن تلقی ما از آنها را نیز تغییر داده است. برخی از مفاهیمی که در حوزه فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی کاربردی خاص داشته اند با پیشرفت فناوری اطلاعات دچار چالشهایی شده اند که از آن جمله می توان به مفهوم مالکیت، مفهوم حریم خصوصی، مفهوم توزیع قدرت، مفهوم آزادی های اساسی و مفهوم مسوولیت اخلاقی اشاره کرد

متخصصان امور رایانه چه مسوولیت های اخلاقی دارند؟ اگر یک نرم افزار رایانه ای خطا کند چه کسی را باید سرزنش کرد؟ آیا ایجاد اختلال در برنامه ها کاری غیر اخلاقی است؟ آیا کپی برداری از برنامه ها وقتی صاحبان آن اجازه نداده باشند کاری خطا و ناصواب است؟ اینها بخشی از پرسشهایی است که در حوزه اخلاق فردی و نهادی فناوری اطلاعات مطرح می شود. در فناوری اطلاعات همچنین پرسشهایی مربوط به سیاست های دولت مطرح می شود. مانند این که آیا افراد آزاد باشند تا از راههایی چون شبکه اینترنت سخنان خویش را آزادانه مطرح کنند یا محدودیت هایی که در نشر فیزیکی چون نشر کتاب و روزنامه در سیاست های دولتی است درباره شبکه ها نیز باید اجرا شود؟ این پرسش بیشتر از آن نظر مطرح می شود که شاید ما در نشر کتاب و روزنامه که در محدوده قدرت دولتها صورت می گیرد سخنگیری یا تساهل کمتر یا بیشتری داشته باشیم نسبت به اطلاع رسانی از بیرون مرزها که از طریق اینترنت صورت می گیرد. با توجه به امکان دسترسی افراد مختلف به اطلاعات موجود در رایانه هایی که به شبکه متصلند، دولتها باید چه سیاست ها و عملیاتی را در خصوص حفظ حریم خصوصی افراد از قبیل بایگانی نامه های ارسالی و وارده اشخاص صورت دهند و مسوولیت مدنی ایشان در این زمینه چیست؟ مسائلی از این دست موجب شده است عنوان تحقیقی با نام روانشناسی اخلاق در فضای مجازی را تهییج نماییم.

۱. قابلیت هایی است که به صورت بالقوه در اینترنت وجود دارد و می تواند سبب تسهیل ارتباطات جهانی میان انسان ها، از میان برداشتن تبعیض ها در دستیابی به اطلاعات و در نهایت ایجاد جامعه اطلاعاتی جهانی شود. اینترنت علیرغم چهره فناوری محور خود می تواند پدید آورنده فضایی باشد که در آن اخلاق و روابط اجتماعی افراد تقویت گردد. معمولاً از چنین اخلاقی با عنوان «اخلاق سازنده» یاد می شود. استفاده از اینترنت اخلاق خاص خودش را به شیوه ای خودکار در کاربرانش به وجود می آورد، کاربرانی که در هر لحظه داده یا اطلاعاتی را تولید می کنند. از اینرو «اخلاق اینترنتی» جدای از «اخلاق سازنده» نیست.

رابطه کامپیوتری بین انسان ها روز به روز فراگیرتر می شود. کامپیوترها روز به روز از طریق شبکه های محلی و جهانی و نیز از طریق فناوری بی سیم به یکدیگر پیوند می خورند. ارتباط گسترده، هر روز بیش از پیش سرعت انتقال عکس، صدا، فیلم و اطلاعات را افزایش می دهد. فناوری های کامپیوتری امکان تعامل انسان - ماشین را به شکلی کاملاً جدید و بدیع و همچنین امکان تعامل انسان - انسان در فضایی مجازی را فراهم می کنند. تعامل انسان با انسان سنگ بنای فرهنگ است. مدل توسعه

فرهنگی لوریا و ویگوتسکی نشانگر نیاز به بذل توجه به فرهنگهای فضای مجازی در هرگونه بررسی درخصوص ارتباطات انسانی کامپیوتر محور است چراکه این امر مستلزم کنشهای ارتباطی و رفتاریای است که انسانها به هنگام تعامل با محیط اطراف خود انجام می دهند.

پیشینه

به اعتقاد لوریا و ویگوتسکی انسانها به منظور ارتباط با خود و محیط از ساختارهای روانشناختی مختلفی استفاده می کنند. ساختارها در قالب نشانه هایی دسته بندی می شوند که شامل مکانیزم های ارتباطی زبانی و غیرزبانی اند؛ ساختارها در قالب ابزارهایی دسته بندی می شوند که در بردارنده طیف وسیعی از الگوها و روش های رفتاری دیگری هستند که فرد به منظور ارایه عملکرد موثر درون یک فرهنگ یا جامعه آنها را فرا می گیرد و اقتباس می کند.

روی هم رفته، نشانه ها و ابزارها به افراد امکان تحلیل و تفسیر اطلاعات را داده و معنا و تعامل با اشیاء، افراد و موقعیت هایی که آن ها با آن روبرو می باشند، را می سازند. زمانیکه این ابزارها، که به منظور هدایت فضایی خاص به دقت در کنار هم قرار می گیرند، با فضایی دیگری مواجه می شوند، دچار نقص شده یا کلاً از کار می افتند. در بافت اینترنت، انسانها صرفاً با ابزارهای دیجیتالی تعامل ندارد. بلکه، این ابزارها انسانها را وارد فضایی مجازی باطیفی از امکانات ارتباطی و فرهنگی می کند که در توانایی آنها جهت تعامل با فناوری های مختلف، فرهنگ فضاهای مجازی و افرادیکه با آنها مواجه می شوند، مؤثر است.

کنش های فرهنگی گروهی و فردی آنها ممکن است با فرهنگ های مجازی فضای مجازی همخوان باشد و یا حتی نباشد. برخی محققان تا بدانجا پیش رفته اند که می گویند جوانب اجتماعی - فرهنگی تعامل کامپیوتر محور انسانها در انتقال معنا و ایجاد ساختاری کارآمد و مؤثر بسی مهمتر از ملاحظات فنی ارتباط است.

مقاله حاضر نظریات رایج درخصوص ماهیت و ساختار فرهنگ های مجازی را بررسی کرده و پیشنهادات کوتاهی در مورد اهمیت مطالعات فضای مجازی در حوزه تعامل کامپیوتر - انسان را در آینده ارایه می دهد.

۳- مباحث کلیدی در پژوهش های مربوط به فرهنگ مجازی

شاید یکی از برجسته ترین ویژگی های پیکره ادبیات رایج در فرهنگ مجازی تقریباً متضاد بودن مباحث مربوط به تمام موضوعات باشد. تعدادی از پژوهشگران این تناقض ها را به طور مستقیم بررسی می کنند. فیشر، رایت و پوستر به طور مشخص به مقایسه پیشگویی های آرمانگرایانه و غیرآرمانگرایانه در گفتمان حاکم بر اینترنت می پردازند. لوی، پوستر و جردن تا آنجا پیش رفته اند که معتقدند اینترنت ماهیتاً مهمل نما است: این وسیله جهانی اما غیرکلی، آزادی خواه و انحصار طلب، قدرتمند، شکننده و

سریع، صرفاً در تحول است. از این رو بسیاری از نویسندگان مایلند در مباحث مهمل نما (مربوط به اینترنت) تنها درخصوص یک طرف، نظریه پردازی کنند. نمونه این مسأله را در مباحث بعدی می توان ملاحظه نمود.

آرمانشهر یا نا آرمانشهر

برخی نویسندگان ضمن عدم دفاع آشکارا از ابزارگرایی، دیدگاه هایی آرمانشهری درخصوص به اصطلاح «گذرگاه اطلاعاتی» مطرح می کنند. این نظریه پردازان پیش بینی می کنند که توانایی رهاسدن از ارتباطات اینترنتی در پیدایش اشکال جدید دموکراسی و ادارک جمعی در دهکده جهانی فضای مجازی تأثیر بسزایی دارد.

منتقدین آنها معتقدند که این نویسندگان از واقعیت غافلند و ارزشهای فرهنگی بطور جدایی ناپذیری با رسانه و زبان در ارتباطند و فرهنگ مجازی از ماتریکس فرهنگی و اجتماعی شناخته شده نشات گرفته است. این نظریه پردازان به طرح دیدگاه های جزمی تر فناوری و ناآرمانشهری درخصوص فضای مجازی در سطح وسیعتری پرداخته اند: در این دیدگاه ها، فرهنگ سرمایه داری و پول محور غالب است و سلسله مراتب بی عدالتی و نابرابری اقتصادی موجود را گسترش میدهد و از طرفی ارزشهای فرهنگی غربی/آمریکایی و مهارت های فنی را تقویت می کند.

این مباحث و مباحثی که موضوعاتی متقابل و متضاد دارند و به فرهنگ مجازی مربوطند (نظیر اینترنت به مثابه مرکز کنترل جمعی در مقابل اینترنت به مثابه یک فضای اجتماعی جدید یا اینترنت به مثابه بافت فرهنگی در مقابل اینترنت به مثابه یکدست ساخته فرهنگی همه در مباحث فلسفی ای که مبانی اثر فهرست شده در دیگر بخش های مقاله، را تشکیل می دهند آمده اند.

مدرن یا پسامدرن

از دیگر تقسیمات عمده در بحث مربوط به ماهیت و فرهنگ فضای مجازی این مسأله است که آیا اینترنت (و فناوری های وابسته به آن) پدیده ای مدرن است یا پسامدرن؟ نویسندگان بیشماری گسترش فناوری های اینترنتی و فضای ارتباطی جدید ساخته شده توسط آنها را صرفاً به مثابه تجلی ایده های مدرن به شکل ابزار و تکنیک که بطور قطع درآیده آل های جمهوری خواهانه و انقلابی، آزادی، برابری و برادری نهفته است، مورد بررسی قرار داده اند.

اسکوبار با تأکید بر همخوانی فناوری های رایج با انقلاب های فرهنگی موجود، مبانی فرهنگی غربی توسعه فناوری را مورد بررسی قرار می دهد، گانکل نیز با تأکید بر همین مسأله معتقد است که منطق فضای مجازی صرفاً عبارت است از بسط و گسترش

استعمار اروپایی از نگاه کستلز فرهنگ مجازی برخاسته از فرهنگ برتر علمی و تکنولوژیکی، «در فهرست مأموریت غلبه بر جهان قرار داشت».

ارول معتقد است که بحث درخصوص پسامدرن بودن، ابراز فراموشی نسبت به گذشته است و مدعی است که فضای مجازی و فناوری های مجازی دنباله همان تصویرگری رمانتیک و دهه های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ است. او می گوید از قالب خارج کردن، محصول جدید دوران مدرن نیست بلکه (پدیده جدید) موفقیت تصویرگری رمانتیک بود.

نویسندگان متأخرتر، فضای فرهنگی فضای مجازی را کاملاً جدید و پسامدرن دانسته، آن را نشانگر گسستی عمده و اساسی در الگوهای فرهنگی جامعه، هویت و ارتباطات در نظر می گیرند. به عنوان مثال وبب معتقد است تصاویر مرزی فضای مجازی نشانه تغییر پسامدرن از انسان محصور به یک غیرانسان نامحصور مجهز به کامپیوتر است. پوستر مدعی است فناوری های اینترنتی فرهنگ دومی را پدید آورده است: "فرهنگی غیر از مبادلات همزمان نشانه ها و صداها بین افراد در فضای واقعی و زمینی". او پیش بینی می کند که پیامدهای فرهنگی این نوآوری، باید سبب تخریب و نابودی «مدرن» گردد، و برای این بافت گزاره هایی از نظریات پسامدرن اندیشمندانی نظیر فوکو، هایدگر، دلوز، بادلیراد و دریدا را که عقاید مدرن درخصوص پیشرفت، شخصیت اصیل تعریف پذیر و وجود مبانی مطلق برای ساختار علم را به چالش کشیده اند، را از نو تدوین می کند.

پوستر معتقد است دیدگاه های پسامدرن درخصوص زندگی و فرهنگ که فراتر از عقاید و آموزه های مربوط به ساختارهای ثابت اجتماعی ممکنست با فضای پویا، شناور و حتی به لحاظ فرهنگی متناقض با فضای مجازی، بیشترین پیوند و سازگاری را داشته باشد.

ارزش های فرهنگ مجازی

آیا ارزشهای فرهنگ مجازی صرفاً ارزشهای وارد شده از فرهنگهای غیرمجازی موجودند؟ یا فرهنگ مجازی فرهنگ جدید و خاص خود را دارد؟ نویسندگان بسیاری درخصوص ماهیت و خاستگاه های ارزشهای فرهنگ مجازی پژوهش کرده اند. انرسان معتقد است که "ارزش های فرهنگ مجازی، ارزش های گفتاری، قابل دسترس، آزاد و دارای واکنش سریع هستند". کستلز معتقد است که «فرهنگ هکری» اساس فرهنگ مجازی است و ارزش های شایسته سالارانه، مفهوم اولیه جامعه مجازی و آزادی فردی بالایی را به همراه دارد. جوردن مدعی است که فرهنگ مجازی، نیرویی است که فرهنگ، سیاست و اقتصاد را می سازد و «قدرت فناوری» را قدرتی تعریف می کند که نظام هنجاری فرهنگ مجازی را شکل می دهد. او در سال ۲۰۰۱ همانند کستلز، زبان انگلو- آمریکایی و فرهنگ متعصبانه فضای مجازی را که به اعتقاد او اساسش بر رقابت و صور اطلاعاتی لیبرال و ایدئولوژی های آنارشیستی استوار است را بررسی کرد.

ناپفر و مورس ماهیت مردسالارانه فرهنگ مجازی را بررسی می‌کنند در عین حال، کولکو معتقد است که اعضای (که عمدتاً انگلو- آمریکایی‌اند) جوامع مجازی جدید، ارزش‌هایی (عمدتاً آمریکایی) از فرهنگ بومی خود نیز با خود وارد این جوامع می‌کنند. در نتیجه و همانگونه که استار نیز پیش‌تر خاطرنشان کرده بود، هیچ تضمینی وجود ندارد که تعامل در شبکه صرفاً بی‌عدالتی‌های نژادی، جنسی و طبقاتی‌ای را که در اشکال دیگر ارتباطات سراغ داریم، کپی کند.

مقالاتی که شیلدرز در سال ۱۹۹۶ در مجموعه‌ای ویراستاری کرد ویژگی‌های مربوط به ارزشهای فرهنگ مجازی و مواردی نظیر نوع نگاه به سانسور، تعامل اجتماعی، سیاست‌های سلطه طلبانه و کنش‌های جنس‌مدارانه در شبکه را مورد بررسی قرار داده‌اند اما دیگران معتقدند که فضای مجازی محل ایجاد فرهنگی کاملاً جدید است. به عنوان مثال لوی می‌گوید، "فرهنگ مجازی بیانگر پیدایش یک فرهنگ متفاوت جهانی و جدید است، چراکه از عدم تعصب در فهم از جهان برگرفته شده است" و هیلی فضای مجازی را فضایی میانه میان تمدن و صحرانشینی می‌داند که در آن گرایش‌ها و گزینه‌های فرهنگی را می‌توان انتخاب کرد.

خرده فرهنگ‌های فضای مجازی

آیا خرده فرهنگها در محیط فرهنگی فضای مجازی قابل شناسایی‌اند؟ شماری از نظریه‌پردازان فرهنگهای آن‌لاین خرده‌گروه‌های خاص را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند: کستلز «فرهنگ هکری» را به تفصیل بررسی کرده است. لئوناردی فرهنگ آن‌لاین و طرح‌های وب‌سایت اسپانیایی‌های ایالات متحده را مورد مطالعه قرار می‌دهد و گیبس و کراس تصاویری را که خرده فرهنگهای مختلف اینترنتی بکار می‌برند را مورد بررسی قرار می‌دهد. اما شماری از پژوهش‌ها به جای موضوع‌بندی و توصیف خرده فرهنگ‌های فضای مجازی، به حاشیه رانده شدن یا عدم دسترسی برخی گروه‌های فرهنگی را به فضای مجازی مورد بررسی قرار می‌دهند.

مثلاً هوو می‌گوید: تفاهم‌های مهم ارزش‌های فرهنگی، فضای مجازی را برای آمریکایی‌های بومی (اصیل) نامناسب می‌کند. کنیستون و هال آماری در مورد زبان انگلیسی و غلبه غرب در اینترنت ارایه می‌کنند؛ آنها اظهار داشته‌اند که ۹۵٪ جمعیت - هند- به دلیل اینکه از زبان انگلیسی سلیس محروم‌اند، عملاً از کامپیوتر استفاده نمی‌کنند. اندرسان معتقد است "سنت‌های اومانستی لیبرال فرهنگ عربی و اسلامی" از عالم فضای مجازی محرومند نه به این دلیل که به رسانه‌های جدید وارد نشده‌اند بلکه به این دلیل که آنها به معنای دقیق کلمه تحت شعاع ارزش‌های فرهنگی وابسته به زبان و فرهنگ غالب فضای مجازی قرار گرفته‌اند. فریس، مورس، و کناپفر نیز معتقدند که فرهنگ جنسی فضای مجازی می‌خواهد زنان را از دنیای مجازی بیرون کند.

جالب اینکه داهان از فضای عمومی آن لاین محدودی که در اختیار اسرائیلیهای وابسته به اکثریت یهودیان ساکن در اسرائیل گزارش می دهد. این نویسنده به جای آنکه به این نتیجه برسد که فرهنگ آنکلو-آمریکایی در اینترنت غالب است، قاطعانه می گوید این عدم تعادل نشانگر آنست که محرومیت اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه اسرائیل صرفاً در فضای مجازی منعکس شده است.

داوینس از امکان محرومیت از فرهنگ ابزاری جهانی (تکنوفرهنگ) بواسطه تفاوت و تنوع ارزش ها و گرایشات انسانی حمایت می کند. در این میان، استالد و تافت چند گزارش در خصوص فعالیت های شماری از اقلیت های مشخص و مجزا در فضای مجازی تهیه کرده اند: مردان آفریقایی سیاهپوست روستایی در دانشگاهی در آفریقای جنوبی، خانواده های آسیای جنوبی در لندن، زنان هند، مهاجران ایرانی مقیم لندن و معدود کاربران و اهالی ثابت دنیای مجازی که در کره خاکی زندگی میکنند.

نتیجه گیری

هرگاه انسانها در خلال زمان با یکدیگر تعامل برقرار می نمایند، فرهنگهای جدید به وجود می آیند. در فضای مجازی، فناوریهای کامپیوتری شبکه ای، فرایند های ساختار فرهنگی را شکل میدهند (یا مانع می گردند یا بلوکه می کنند) و شکل گیری این فرایند را تسهیل می بخشند. اگرچه مباحثات در خصوص ماهیت فرهنگ مجازی به افراط کشیده می شود، اما یک نکته به شدت واضح و مبرهن است: در حوزه تعامل کامپیوتر- انسان، دیگر زمان کافی و مقتضی برای تمرکز بر تعامل میان ماشین و انسان وجود ندارد. هر کوششی در راستای بررسی ارتباطات انسانی شبکه ای باید تعامل انسانی را با فرهنگهای فضای مجازی در نظر گیرد که فناوریهای کامپیوتری مسبب آن بوده اند.

با وجود اینکه اینترنت نقش موثری در ارتباطات، ایجاد راههایی برای آشنایی با فرهنگ های دیگر و تسریع در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و غیره داشته باشد، می تواند به تنهایی فرهنگ های با قدمت چندین و چند ساله را در مدت زمان هر چند طولانی از طریق رخنه در ریشه آنها (جوانان) تخریب کند.

در این صورت می توان نتیجه گرفت که اگر کاربران برای جلوگیری از غرق شدن خود در این راه، اخلاقی مناسب با برداشت از فرهنگ خود در نظر داشته باشند و با آن چارچوب وارد فضای اینترنت شوند؛ راه بر این تاثیر مخرب بسته خواهد شد.

در نهایت ما چه بخواهیم چه نخواهیم این فضا به وجود آمده و روز به روز در حال گسترش میباشد و به نوعی بخش عظیمی از زندگی شخصی کاری و حتی اجتماعی ما را فرا گرفته است. و چه بهتر که روی این معقوله ها بیشتر کار کنیم تا فرهنگ، اخلاق و کرامت انسانی و اسلامی در فضای سایبر گسترش یابد.

منابع:

<http://www.iritn.com>
<http://www.rouzegar.com/?p=42>
<http://www.mgtsolution.com>
<http://ethical.persianblog.ir>
<http://www.farsnews.net>
<http://www.farsnews.net>
<http://www.iqna.ir>